

# پی آمدهای تفاهم نامه کاری اطلاعاتی افغانستان و پاکستان

عبدالرحمن فهیمی

## مدیریت بحران انتخابات

محمد رضا هویدا

انتخابات در حکومت های دموکراتیک افغانستان که بعد از رژیم طالبان روی کار آمده اند، منبع مشروعیت قوای مجریه و مقننه بوده اند، ولی همواره از پرچنجال ترین موضوعات در کشور بوده است.

انتخابات ها در افغانستان از جهاتی مسیر نزولی داشته اند، از این میان میزان اشتراک مردم در انتخابات به وضوح سیر نزولی داشته است.

مردم افغانستان آن گونه که در انتخابات ریاست جمهوری در اولین دوره اشتراک داشته اند، در انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری اشتراک نموده بودند.

میزان اعتماد مردم به نهادهای انتخاباتی نیز در دوره اولین و سوم انتخابات ریاست جمهوری نیز به طور محسوسه پایین آمده است. حتا تعداد کارمندان که بعد از انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته، متهم به فساد هستند، رقم بالایی را شامل می شود که برای افغانستان در حال بازسازی یک خطر بزرگ به حساب می آید.

دولت وحدت ملی نیز با مدیریت چنین کمیسیون انتخاباتی روی کار آمده است. این دولت با خصوصیاتی که اکنون دارد در پیش از برگزاری انتخابات به تصور هیچ فرد یا نهادی نمی آید، تنها بعد از انتخابات و مشکلاتی که به وجود آمد این دولت به وجود آمد تا بر بحران انتخابات نقطه پایان گذاشته شود.

یکی از اولویت های دولت وحدت ملی مسئله ریفرم در کمیسیون انتخابات بوده است. اصلاحات در کمیسیون انتخاباتی مورد توافق طرفین بوده، ولی تا هنوز اقدام جدی و اصولی که بتواند بر مشکلات فایق آمد، از سوی دولت وحدت ملی دیده نشده است. بخشی از مشکل عمده مشکل انتخابات افغانستان به تصمیم های سران دولت وحدت ملی برمی گردد که نتوانسته اند به تفاهم و وحدت نظر در مورد اصلاحات در کمیسیون انتخاباتی برسند.

افغانستان بار سنگین یک انتخابات با جنجال را به دوش می کشد. نتایج این انتخابات برای افغانستان و مردم آن سنگین بوده است. نتایج انتخابات ریاست جمهوری برای مردم افغانستان در قالب های فقر، اوضاع نابسامان اقتصادی، دوری از حکومت، بی اعتمادی به نهادهای برگزار کننده انتخابات و جنجال های سیاسی نمایان شده است.

افغانستان توان وارد شدن در یک بحران دیگر انتخاباتی را ندارد. بحران انتخابات پارلمانی نیز در حال فرا رسیدن است. به زودی زمان قانونی کار پارلمان افغانستان به پایان می رسد و دولت افغانستان مجبور است تا انتخابات پارلمانی را برگزار نماید، امری که تا کنون در مورد آن هیچ اقدام جدی و موثری انجام نشده است.

وارد شدن در این بحران به معنای کشیده شدن پارلمان در بحران مشروعیت است. در صورتی که پارلمان افغانستان نیز در این بحران وارد شود، بخش اعظمی از قدرت سیاسی افغانستان در بحران سیاسی ناشی از انتخابات غرق می شود.

نکته ای که از انتخابات افغانستان به دست می آید این است که باید کمیسیون مستقل انتخابات به صورت اساسی اصلاح شود، این اصلاحات البته باید به گونه اساسی باشد تا بتواند نتایج متوقعه را بدست آورد. اما راه رسیدن به این ماسول، در اولین قدم، کار جدی و اساسی و در تفاهم با یکدیگر برای وارد شدن اصلاحات در انتخابات است. دولت وحدت ملی باید به این مسئله توجه داشته باشد که این انتخابات بدون اصلاحات به بحران مشروعیت در کشور دامن می زند. آنچه از انتخاباتی بدون مشروعیت بیرون آید بر مشکلات افغانستان خواهد انباشت.

در صورتی که دولت وحدت ملی نتواند به تفاهم برسد و جلب نظر و کمک های خارجی را نداشته باشد، مشکلات اساسی انتخابات افغانستان از قبیل بودجه که نیازهای اولیه یک انتخابات است لاینحل باقی خواهد ماند. هر چه بر جنجال های انتخاباتی افزوده شود، میزان اعتماد مردم به انتخابات کمتر خواهد شد و همان فاصله ای که در گذشته ایجاد شده بود به طور تدریجی افزوده خواهد شد.

به هر صورت مدیریت بحران انتخابات نه تنها کار دولت مردان حکومت وحدت ملی، بلکه وظیفه همه نهادها و افراد و گروه های سیاسی، دولتی و غیر دولتی است.

روابط سیاسی کابل و اسلام آباد، به گونه بی پیشینه «گرم» شده و بهیم نزدیک شده است. سیاست مداران و نظامیان دو کشور، رفت و آمدهای فراوان دارند، همکاری های اقتصادی در حال شکل گیری است و مهمتر از همه، همکاری های نظامی میان دو جانب سر گرفته است. قبلا تفاهم نامه های مشترک میان وزارت خانه های دفاع ملی دو کشور به امضا رسیده و «فبردهای مشترک» جهت سرکوب حلقه های تروریستی در مرزهای دو کشور راه اندازی شده بود و شمار از دانش آموختگان ارتش ملی افغانستان نیز جهت فراگیری آموزش بیشتر و بهتر به مراکز علمی نظامی پاکستان اعزام گردیدند.

اما هیچ گاه تصور نمی شد که سازمان های اطلاعاتی دو کشور به این پیمانته بهم نزدیک شده و تفاهم نامه همکاری اطلاعاتی امضا کنند. قبلا تحلیل و تصور بر این بود که علی رغم اراده سیاسی سیاست مداران پاکستانی جهت همکاری سیاسی با دولت افغانستان در راستای تامین صلح و ثبات داخلی، نظامیان به ویژه گردانندگان سازمان اطلاعاتی «آی اس آی» مانع عملی کردن چنین رویکرد می گردند. در جانب مقابل، سازمان اطلاعاتی افغانستان به خصوص پاکستان شهرت داشت. به هر پیمانته که سران سیاسی دولت کابل با پاکستان نزدیک می شدند و از دوستی و همکاری سخن می زدند، اما سازمان اطلاعاتی کشور، نسبت به سازمان اطلاعاتی پاکستان بدبین بود و از مباحث که نیات اصلی آن کشور را برملا می کرد، استقبال می نمود.

اما حالا خبر امضای تفاهم نامه همکاری اطلاعاتی میان سازمان های اطلاعاتی دو کشور، اندک تعجب بر انگیز می نماید. به هر حال گام است که برداشته شده است.

گروچند که با واکنش های منفی رو به رو شده است، اما سران سیاسی و نظامی دو کشور، تصمیم به چنین تفاهم نامه همکاری اتخاذ کرده اند. حالا پرسش که مطرح می گردد این است که: امضای تفاهم نامه همکاری اطلاعاتی

میان افغانستان و پاکستان چه پی آمدهای را بدنبال خواهد داشت؟ پاسخ کوتاه که به ذهن می رسد، این است که ممکن است از دو پی آمد، یکی را بدنبال داشته باشد. پی آمد نخست با چهره مثبت و امیدوار کننده و اما پی آمد دوم با چهره منفی و مایوس کننده. در گام نخست آن گونه که اکنون تصور می شود و خوش بینی ها در این مورد وجود دارد، ممکن است تفاهم نامه همکاری اطلاعاتی، به بستر اعتماد سازی سیاسی میان دو کشور تبدیل گردد و اما در گام دوم ممکن است اختلاف نظرهای جدی میان دو طرف پدید آمده و رابطه را بیش از پیش بحرانی تر و بی اعتمادتر نماید.

۱- اعتماد سازی سیاسی آن گونه که تصور می شود و خوش بینی های از سوی دو طرف وجود دارد، سازمان های اطلاعاتی دو کشور، مبارزه اطلاعاتی مشترک را در برابر حلقه های تروریستی و تهدیدها آغاز نموده و در زمینه تبادل اطلاعات و داده های استخباراتی و حتی راه اندازی برخی عملیات های توفیقی، همکاری جدی کنند. از این رهگذر، اعتماد لازم میان دو کشور ایجاد شده و سایه سنگین بی اعتمادی که سال ها بر روابط دو کشور سایه افکنده است را بردارد.

در این صورت دو گام مهم برداشته می شود. اول، در نتیجه تبادل اطلاعات و داده های جاسوسی، دو کشور موفق به پی گیری، سرکوب و نابودی لانه های تروریست ها می گردند، عملیات های مخرب را قبل از وقوع حادثه، کشف و خنثی می کنند و بهره های مهم و تاثیرگذار و نیز منابع حمایتی آنان را شناسایی و قلع می کنند. اما دوم، روابط سیاسی دو کشور بیش از پیش بهبود می یابد. اکنون افغانستان نسبت به پاکستان شدیداً بی اعتماد است. اگر پاکستان دست همکاری صادقانه هم دراز کند، نخبگان قدرت، حزب های سیاسی تاثیرگذار و افکار عمومی آن را از عینک توطئه و نقشه قریب دهنده دیگر تحلیل می کنند. پس اگر، همکاری های درست و مؤثر اطلاعاتی میان



تورویستی دیگری وجود دارد که مردم افغانستان را به عزا نشانده و لباس های غم زا بر تن های شان پوشانیده است. گروه های سپاه محمد، جیش محمد و... آیا پاکستان به صورت جدی با آن ها مبارزه خواهد کرد؟

اگر پاسخ پرسش ها منفی باشد، امضای تفاهم نامه پی آمد زیانبار و به شدت نگران کننده را بدنبال خواهد داشت. اگر اکنون، رابطه مبتنی بر بی اعتمادی است، بی اعتماد تر و دیوار فاصله قطورتر خواهد شد.

به هر حال آن گونه که سخن زده می شود، امید می رود که پاکستان به تهدید بودن همه شبکه های تروریستی باورمند شده و مبارزه را آغاز کند. بازی با حلقه های تروریستی و بنیادگرا خطرناک خواهد بود. ممکن است چند سال در کنترل بوده و هر سه که هدایت داده شود، بجزخند، اما در نهایت امر از کنترل خارج شده و با تغییر جهت حامی اش را نیز نش خواهد زد.

اعضای کند. اما در مورد برخی از گروه های تروریستی دیگر، شک ها و تردیدهای وجود دارد. افغانستان شبکه حقاتی را دشمن خود می داند و این گروه، بارها به دولت و ملت افغانستان ضربات جبران ناپذیر وارد کرده و خون های بی شمار از انسان های بی گناه را بر زمین جاری کرده است. پس با آن مبارزه می کند و سری سازگاری نخواهد داشت. از این رهگذر، پرسش ها این گونه مطرح می گردد که: آیا پاکستان آن گونه که در روی کاغذ تعهد کرده و از مبارزه مشترک سخن زده است، در برابر شبکه حقاتی مبارزه خواهد کرد؟ شبکه حقاتی در پس پرده تهران اکثریت حمله های مرگ بار در افغانستان دیده می شود و دولت نیز نسبت به پاکستان تردید دارد؛ آیا پاکستان به این شبکه به صورت مستقیم همکاری می کند؟ یا دست کم دست اش را باز گذاشته است؟ گذشته از این شبکه، شبکه های

سازمان های جاسوسی دو کشور صورت گیرد، سایه بی اعتمادی برچیده شده و زمین پس، رابطه بهبود می یابد و موضع گیری های سیاسی نیز مثبت تلقی خواهد شد. این امر در راستای منافع کل منطقه است. زیرا امنیت و ثبات را در سطح منطقه تامین خواهد کرد. ۲- اختلاف نظر و تنش سیاسی آن گونه که سخن گوی اداره امنیت ملی افغانستان می گوید، در تفاهم نامه همکاری امضا شده، نام همه حلقه ها و شبکه های تروریستی تسجیل یافته و هر دو کشور متعهد به مبارزه با آنان شده اند. در مورد برخی از سازمان ها و شبکه های تروریستی تردید نیست که دو کشور، توافق نظر داشته و مبارزه جدی را با آن ها در پیش خواهند گرفت. گروه داعش موسوم به دولت اسلامی و سازمان القاعده از گروه های تروریستی درشت هستند که به نظر نمی آید پاکستان نیز در برابر آن ها

## تهدیدات بالفعل و بالقوه؛

# آیا تجربه عراق در افغانستان تکرار خواهد شد؟

علی قادری

اسلامی گلبدین حکمتیار است. این تهدید عملی است. بدین معنی که هم اکنون این تهدید وجود دارد و حکومت در ولایات مختلف از سوی این گروه ها تهدید می شود. اما تهدید دیگر بالقوه است که ممکن از سوی مردم در ولایات مختلف صورت گیرد. شکل گیری گروه های مقاومت در برابر داعش و طالب از تهدید بالقوه و جدی است. برخی از قومندانان سابق جهاد شایدا میل دارد تا گروه های را شکل دهد و در برابر داعش و طالبان بچنگند. کشور های مختلف نیز

باید آگاه باشد و نگذارد که گروه های به منظور مبارزه با داعش خارج از چارچوب حکومت شکل گیرد. زمره های شکل گیری گروه مقاومت در ولایات مختلف کشور شنیده می شود. این گروه ها به راحتی می تواند ابزاری فشار کشور های منطقه بر حکومت افغانستان شود. این جهت، بهتر است که روی تجهیزات و آموزش نیرو های امنیتی کشور بیشتر کار شود و همچنین کنترلی بر صدای مبنی بر شکل دهی گروه های مقاومت صورت گیرد.

را در افغانستان شروع نموده است. این گروه ها تهدیدات جدی برای حکومت و نیرو های امنیتی در ولایات مختلف کشور به وجود آورده است. حکومت به خاطر مقاومت این گروه ها نتوانسته است بر سراسر افغانستان حاکمیت داشته باشد. بخش از خاک افغانستان در دست گروه طالبان قرار دارد. با این حال، در سال جدید فعالیت این گروه ها افزایش یافته است. تهدیدات آن ها جدی تر شده است. مسئله این است که آیا تجربه عراق در افغانستان تکرار

یک نگاه مقایسه ای در صدد آنیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که آیا افغانستان با رشد گروه های بنیادگرا و تندرو همانند عراق حاکمیت حکومت مرکزی تضعیف می شود یا اینکه افغانستان تجربه عراق را تکرار نخواهد کرد. در سال ۲۰۰۳ آمریکا با همیمانان خود به عراق حمله کرد و نظام دیکتاتوری صدام حسین را سرنگون کرد. در عراق همانند افغانستان حکومت مردمی شکل گرفت و چندین دور انتخابات برگزار شد. در عراق اما، امضای پیمان استراتژیک میان این کشور و ایالات متحده آمریکا ممکن نگردید. آمریکا و همیمانانش تمام نیرو های خود را از عراق خارج کرد. خروج این نیرو های بین المللی در نهایت منجر به رشد گروه های مخالف مسلح دولت در عراق شد. آغاز خروج نیرو های بین المللی آغاز روند تضعیف حکومت مرکزی عراق نیز بود. کم کم حاکمیت حکومت مرکزی تضعیف شد و گروه های مخالف مسلح دولت در تمام نقاط عراق قنادر به تهدید و سازماندهی حملات مسلحانه بود. روند تضعیف حکومت مرکزی در سال های اخیر تشدید یافت.

به گونه ای برخی شهر ها به دست گروه های مخالف مسلح دولت عراق افتاد. ظهور داعش اما، در تضعیف حکومت مرکزی عراق سهم بسزایی داشته است. امروزه در کنار اینکه گروه های مخالف مسلح دولت در عراق وجود دارد و در برابر حکومت و نیرو های امنیتی حکومت عراق می چنگند گروه های دیگری نیز شکل گرفته اند که در برابر گروه های تندرو همانند داعش مبارزه می کند ولی حکومت هیچ کنترلی بر آن ها ندارد.

بنابراین، حکومت عراق جدا از اینکه در برابر داعش و دیگر گروه های مخالف مسلح مبارزه می کند، نیازمند آن است تا گروه های مقاومت را نیز زیر کنترل خود در آورد. از آنجایی که گروه های مختلف از سوی کشورهای بیرونی تمویل می شود این احتمال وجود دارد که در آینده همین گروه ها در برابر حکومت قرار گیرد. اگر این گروه ها امروزه از سوی کشورهای مختلف تمویل می شود، می تواند در آینده ابزاری فشار کشور ها برحکومت عراق استفاده شود.

در افغانستان شباهت زیاد با عراق دارد. گروه طالبان، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار از مخالفان قدیمی حکومت است و جدیداً گروه داعش نیز فعالیت های خود خواهد شد. افزایش فعالیت فعالیت طالبان و داعش احتمال دارد که منجر به شکل گیری گروه های مقاومت در بخش های مختلف کشور گردد. اشتباه است اگر بپنداریم که شکل گیری گروه های مقاومت مردمی به سوده حاکمیت مرکزی و حفظ ثبات سیاسی نسبی است. واقعیت این است که با شکل گیری گروه های مقاومت ما یک گام به عقب برداشته ایم.

زیرا، گروه های مقاومت همان طور که در عراق به حکومت مرکزی پاسخگو نیست در افغانستان نیز به حکومت پاسخگو نخواهد بود. ممکن این گروه ها در برابر داعش و طالب مبارزه کند ولی در فرای پیروزی این گروه ها می تواند مخالفان جدی حکومت محسوب شود. بنابراین، تا حد امکان حکومت



حاضر به تمویل گروه های مقاومت است. بنابراین، افغانستان به خاطر حضور بخش از نیرو های خارجی و امضا پیمان امنیتی با ایالات متحده آمریکا این فرصت را دارد که حکومت مرکزی را حفظ کند و به سمت تجربه عراق کشیده نشود. این حال، تمایل مردم در شکل دهی گروه های مقاومت وجود دارد. این مسئله بیش از همه از سوی قومندانان جهاد و مقاومت دامن زده می شود. مدیریت قومندانان، تجهیز و آموزش بهتر نیرو های امنیتی و مبارزه جدی در برابر داعش و طالب می تواند حکومت مرکزی را از دام سقوط برهاند. اما غفلت حکومت از تهدید های بالفعل و بالقوه می تواند منجر به تکرار تجربه عراق گردد.

از این جهت، مسئولیت تام بر عهده نخبگان سیاسی است تا وضعیت کنونی را مدیریت نماید.

روزنامه افغانان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com



صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حقیقت الله زکی  
کارگاتوریست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

